** موزهاي آلوده**

ماركو ويسچر[1](http://pajuhesh.irc.ir/Book/index/magazine/bookId/1913/i/0/keyword/bt/" \l "book-footnottext-1)  
  
چكيده:  
  
با وجود اين كه كشورهاي آمريكاي لاتين بزرگ ترين توليد كننده موز در جهان هستد، تجارت موز در انحصار چند شركت بزرگ چند مليتي است. اين شركت ها براي افزايش توليد موز از مواد شيميايي زيادي در مزارع خود استفاده مي كنند كه باعث بروز بيماري هاي فراواني مثل سرطان، ناباروري، ناراحتي هاي پوستي و... در كارگران اين مزارع و حتي مصرف كنندگان اين موزها مي شود. اين مقاله، استفاده از اين آفت كُش هاي سمي و شيميايي را مورد نقد قرار مي دهد.  
  
استثمار اقتصادي توليدكنندگان موز نكته ديگري است كه در اين مقاله بدان پرداخته شده است. توليدكنندگان موز كمترين سود را از فروش محصولاتشان به دست مي آورند، در حالي كه شركت هاي چندمليتي و نيز كشورهاي اروپايي مصرف كننده، سود فراواني از فروش موزهاي آمريكاي لاتين به دست مي آورند.  
  
مانوئل بوئل، كارگر يك مزرعه موز در بيرون شهر «ماچالا» در اكوادور است. او از نردباني كه به درخت موز تكيه داده شده، پايين مي آيد. مانوئل در پوست خود دچار مشكل شده است. بعد از ظهرها، وقتي كه تابش آفتاب بيشتر مي شود، خارش چشم هايش او را آزار مي دهد و دائما ملتهب و قرمز است. گونه هاي او نيز قرمز هستند، گويي كه روي آتش قرار دارند.  
  
بوئل حدس مي زند، شايد دليلش سم پاشي باشد. از وقتي كه كرم ها مانع رشد ريشه هاي درختان موز شده اند، استفاده از اين سموم ضروري است. مخزن پشت بوئل، محتوي «موكاپ» است، سمي كه به شدت بوي سولفور مي دهد. «آونتيس» شركت سازنده آن، هشدار داده است كه مواد سمي اين آفت كش كه استفاده از آن در اتحاديه اروپا ممنوع شده است، مي تواند سلامتي شما را از بين ببرد. او از تماس با اين اسپري اجتناب مي كند ولي شغلش وي را مجبور مي كند، به جاهايي كه سم پاشي مي كند، نگاه كند.  
  
كمي آن طرف تر، يك كارگر ديگر، خوشه هاي موز را در بسته هاي پلاستيكي بسته بندي مي كند. كيسه ها با «دورزبان» آغشته شده است: يك نوع حشره كش كه مانع خوردن موزها توسط حشرات مي شود. در معرض دورزبان قرار گرفتن به سر درد، كاهش قدرت حافظه، حالت تهوع و خستگي مفرط مي انجامد؛ چند هفته ديگر، اين موزها در فروشگاه هاي مواد غذايي اروپا به فروش خواهد رسيد.  
  
موزها تقريبا در تمامي كشورهاي استوايي، منبع ارزان انرژي و ويتامين ها هستند. موز يك محصول ايده آل براي كشاورزان كوچك است و در همه جا يافت مي شود، از هند تا برزيل و از كامرون تا جزاير قناري.  
  
موزها سريع رشد مي كنند و در تمام طول سال قابل برداشت هستند و به مواد شيميايي و كود اندكي نياز دارند، ولي موزهايي كه در فروشگاه هاي اروپايي يافت مي شوند، متفاوتند. دو سوم از موزهاي صادراتي كه در اروپا و آمريكا فروخته مي شود از آمريكاي لاتين مي آيد، جايي كه جنگل ها و درخت هاي سبز مساحتي بيش از 3000 هكتار را پوشانده اند. موز يك صنعت صادراتي است كه توسط 3 شركت عظيم چندمليتي به انحصار در آمده است: چيكوئيتا، دل و دل مونته. در مزارعي كه موزها در آنجا براي تجارت بين المللي توليد مي شود، براي مبارزه با آفات و هجوم حشرات، تا جايي كه ممكن است از مواد شيميايي استفاده مي شود. در مقياسي سالانه، در هر هكتار از مزارع موز در آمريكاي لاتين، 30 كيلو ماده شيميايي استفاده مي شود. اين مقدار، 10 برابر بيشتر از متوسط ميزان مواد شيميايي استفاده شده در كشاورزي متمركز در كشورهاي صنعتي است. اثرات اين سموم، در آمار وحشتناكي كه از كاستاريكا به دست آمده، منعكس شده است. طبق مطالعات انجام شده توسط دانشگاه ملي هرديا مناطق توليدكننده موز كاستاريكا نسبت به ساير نواحي اين منطقه، 3 بار بيشتر از ديگر مناطق، توسط سموم آفت كش سم پاشي شده اند. سرانه استفاده از آفت كش ها در كاستاريكا 4 كيلو است؛ 8 برابر متوسط جهاني.  
  
مشاهده سرطان خون و ناراحتي هاي تنفسي در بين زناني كه در كاستاريكا موزها را بسته بندي مي كنند، 2 برابر متوسط همان كشور است.  
  
براي گلوريا اسپينوزا، آمار مسأله مهمي نيست. او هيچ گونه دسترسي به اين مطالعات ندارد. او مي گويد: تجربه، منطق و عقل سليم براي من كافي است. اين زن پرستار كه در يك مركز بهداشتي در ال گو آبو در وسط يك منطقه پرورش موز در جنوب اكوادور كار مي كند، مي بيند كه مردم سخت كوش چگونه در صنعت پرورش موز كار مي كنند.  
  
او هر روز با افرادي كه به خاطر سردرد، التهاب چشم، مشكلات تنفسي، دمل ها و ساير مشكلات پوستي به بيمارستان مي آيند، سر و كار دارد. توضيح اين مسأله كه آنچه براي رشد موزها خوب است، براي مردمي كه با موزها سر و كار دارند بد است، مشكل است. اين واقعيت دارد كه اثرات خاص ـ مانند سرطان و ناباروري ـ فقط با تماس با اين سموم در بلندمدت حاصل مي شود، ولي مالكان مزارع نيز بي تقصير نيستند. در تئوري، كارگران بايد لباس محافظ بپوشند و پوشيدن لباس محافظ توسط آنان بايد كنترل شود. در تئوري، اسپري كردن آفت كش ها از آسمان، بايد از قبل اعلان شود. ولي تئوري 10 برابر بيشتر از واقعيت جذابيت دارد. شركت چيكوئيتا سال گذشته را سال اصلاح گياهان اعلام كرد. به عنوان بخشي از پروژه موز مرغوب تر، مزرعه داران بايد جدول زمان بندي اسپري هوايي آفت كش ها را اعلام مي كردند تا كارگران در آن موقع در خانه هايشان بمانند. منتقدان مي گويند، اين تئوريها تا زماني كه ناظري براي اجراي آن نباشد، فقط يك نمايش است ولي اين مسأله، آگاهي شركت چيكوئيتا را از خطراتي كه مواد شيميايي به كارگرانش وارد مي كند اثبات مي كند.  
  
اسپينوزا مي گويد، عمدتا اين مردم فقير هستند كه بيشتر آسيب پذيرند. بسياري از كارگران فقير در مزارع زندگي مي كنند. خانه هاي آن ها با چوب و حصير ساخته شده است. سمومي كه توسط هواپيماها اسپري مي شوند، از درزها و سوراخ هاي اين خانه ها به درون نفوذ مي كند. اين سموم نه تنها بر روي بدن افرادي كه در بيرون مشغول كارند و بچه هايي كه در بيرون از خانه مشغول بازي هستند فرود مي آيد بلكه به درون لباس هاي شان كه براي خشك شدن در بيرون آويز شده اند و روي غذاهايشان در آشپزخانه نيز پاشيده مي شود.  
  
من اولين بار اين مسأله را در ديدار با هوگوتوكئو سوارز كه خانه اش در وسط يك مزرعه موز واقع شده است، تجربه كردم. همان طور كه ايستاده بوديم و صحبت مي كرديم، يك هواپيما ابري از سم را روي مزرعه ريخت، بدون اين كه حتي سعي كند از ريختن آن بر روي كلبه هاي محقر سوآرز و همسايگانش جلوگيري كند. يك غبار از سموم قارچ كش روي تيرهاي چوبي ريخته شد. قطراتي از آن روي شيشه عينك من چكيد و يك توده متراكم گرم و رقيق بر روي پوست من باقي گذاشت. سم در استراتژي زندگي سوآرز و خانواده اش يك نقش پارادوكسيكال ايفا مي كند. او قبلاً در مزرعه مجاور، بدون داشتن كار منظم، هر روز دنبال يك كار بود. اكنون او «خوشبخت» است. او اين امتياز را دارد كه يك مخزن پر از سم رابر پشتش حمل كرده و آفت ها را نابود كند؛ او مي گويد: «دكتر به من توصيه كرده، به اين كار ادامه ندهم»؛ كليه هاي من دچار مشكل شده اند و شب ها نمي توانم بخوابم. ولي واقعاگ من انتخاب هاي زيادي ندارم. گاهي شما مجبور هستيد براي خانواده تان پول در آوريد.  
  
دنياي متفاوتي از برده داري مدرن، در كشتزار كريستين گارايكوآ، اولين و بزگترين توليد كننده موز طبيعي در اكوادور در جريان است. گارايكوآ مانند يك آدم متشخص در بيرون مي ايستد، مانند يكي از اعضاي خاندان سلطنتي، در حالي كه موسيقي دل انگيز عصر جديد از بلندگوهاي فراصوتي پخش مي شود، او با يك ماشين گران قيمت در اطراف چرخ مي زند. او با تكبر، گردش دور مزرعه 200 هكتاري خود در روستاي بوئناويستا را آغاز مي كند.  
  
در مزرعه هاي شيميايي، به سختي نشانه اي از حيات به چشم مي خورد ولي در اينجا پرندگان، پروانه ها و زنبورهاي عسل به شدت مشغول كار و پرواز هستند؛ گياهان كوچك ترند و برگ ها سبزتر، اينجا هواي تازه تنفس مي كنيد، نه يك غبار سمي سنگين شيميايي. او به ياد مي آورد كه خاك فرسوده شده بود، آب آلوده بود و كارگران بيمار بودند؛ سرطان در آن ها تشخيص داده شده بود و برخي از آن ها بعد از يك بيماري طولاني فوت كردند. گارايكوا روزي تصميم گرفت، استفاده از آفت كش ها را متوقف كند. او مي گويد: در آغاز ، اين كار خيلي سخت بود، ما هيچ تصوري از چگونگي پرورش موزهاي طبيعي نداشتيم. در ابتدا، اين كار به معني استخدام كردن افراد بيشتري بود. بنابر گفته گارايكوآ با كمك آفت كش ها يك كارگر مي تواند هر روز در 5 هكتار زمين زراعت كند، ولي براي يك كارگر فقط با يك داس براي كندن علف هاي هرز، در يك هكتار، يك هفته وقت لازم است. گارايكوآ به مشكل ديگري نيز برخورد كرد. موزهايي كه پيرامون مزرعه پرورش يافته بودند ـ كه وي آن ها را كشتزارهاي سمي مي ناميد ـ نمي توانستند گواهي موزطبيعي بگيرند، حتي اگر با روش خود آن مزرعه پرورش داده شده بودند. در نتيجه، او مجبور بود 10 تا 15% محصولش را به عنوان موز معمولي بفروشد. هر هفته، گارايكوآ 4000 جعبه موز طبيعي كه برچسب گواهي «اكو» دارند، صادر مي كند، هرچند موزهاي او از موزهاي توليدي شركت هاي چندمليتي گران تر است. گارايكوآ نسبت به جنگ قيمت در فروشگاه ها عقيده واقع بينانه اي دارد. او با قاطعيت بيان مي كند: هيچ رابطه منطقي بين آنچه كه مصرف كننده مي پردازد و آنچه توليدكننده به دست مي آورد، وجود ندارد. اگر موزهاي طبيعي در مقايسه با موزهاي معمولي، در غرب گران تر به فروش مي رسد، هيچ تأثيري براي من ندارد. من هم همان قيمت را مي پردازم و آنچه كه باقي مي ماند، بسيار كم است. بيشتر سود تجارت در غرب باقي مي ماند، در ماليات هايي كه شما مي پردازيد، با فروشگاه هاي مواد غذايي تان و همه شركايتان در شركت هاي چند مليتي.  
  
بنانالينك، يك سازمان غيرانتفاعي بريتانيايي كه در مورد توليد و تجارت موز مطالعه مي كند، ادعاي او را تأييد مي نمايد؛ فقط 12% از مجموع درآمد تجارت موز، از آنِ كشورهاي توليدكننده موز است.  
  
ولي در منطقه، تجارت عادلانه نيز برقرار است. اين مسأله توسط جرج راميرز كه يك مؤسسه را با هدف به دست آوردن قيمت بهتر براي توليدكنندگان موز سرپرستي مي كند، شروع و كنترل شده است. هر هفته، 12000 جعبه موز از طرف 120 توليدكننده، به فروشگاه هاي اروپايي صادر مي شود. بيشتر آن ها به سوئيس، جايي كه موزهاي تجارت عادلانه مشتريان زيادي دارند، صادر مي شود و در فروشگاه هاي برخي از كشورها، تحت نام موزهاي «اك» كه مهر ماكس هاولار خورده اند، فروخته مي شود.  
  
در دفتر راميرز در شهر ال گوابو، يك نسخه از روزنامه صبح روي ميز افتاده است. در عنوان صفحه اول اعلام شده است كه قيمت يك جعبه موز كه محتوي حدود 120 موز است، با افزايش نزديك به 10% به 3 دلار رسيده است. راميرز مي گويد، 3 دلار پايين ترين قيمت واقعي است كه مي تواند اين صنعت را زنده نگهدارد. توليدكنندگان راضي نيستند، آن ها حداقل براي يك جعبه 60/3 دلار مي خواهند؛ طبق مقاله روزنامه، برخي توليدكنندگان، براي يك جبعه، فقط 2 دلار دريافت مي كنند.  
  
طبق گفته راميرز كه خودش 9 هكتار مزرعه موز دارد؛ «كشاورزان خرده پا بيشترين ضرر را مي بينند». شركت هاي بزرگ مانند چيكوئيتا، دل و دل مونته، موزهايشان را از توليدكنندگان بزرگ يامتوسط مي گيرند تا بتوانند مقدار زيادي موز ذخيره كنند. آن ها قبلاً صاحب كشتزار بودند ولي از ترس اين كه مبادا در مورد كارهاي خلاف مورد سوءظن قرار گيرند، با شرايط جديد كنار آمدند. شركت هاي بزرگ فقط هنگامي از كشاورزان خرده پا موز مي خرند كه محصول آن ها مرغوب نباشد يا در كشتي هاي آنان تصادفا جايي خالي پيدا شود. شركت هاي بزرگ به همه شرايط كوتاه مدت خود پاي بند هستند ولي بيشتر اوقات، هيچ گونه رابطه بلندمدتي ندارند. راميرز با ملايمت و شكيبايي توضيح مي دهد كه چگونه خود را از يك قرارداد نابود كننده با شركت دل كه در سال 1996 منعقد شده بود، نجات داده است. اين همان سالي بود كه او با خانم آليس اُر از سازمان ساليداريداو ـ يك مركز بزرگ كه فعاليت هايش بر روي آمريكاي لاتين متمركز است ـ ملاقات كرد. او خواستار اجراي اصول تجارت عادلانه در مورد تجارت موز بود؛ همان گونه كه اين اصول قبلاً در مورد قهوه و شكلات و اخيرا در مورد خط توليد لباس شركت كوئيچي اجرا شده بود. در منطقه ال گوابو، او دنبال كشاورزاني مي گشت كه بخواهند به يك مؤسسه، با نام همان روستا، بپيوندند.  
  
وارد كننده براي هر جعبه، حدود 2 دلار بيشتر از قيمت هنگام صدور موز مي پردازد. مبلغ اضافي، براي رشد اين صنعت و شرايط محيطي كشتزارها سرمايه گذاري مي شود. به عنوان مثال، اين شرايط شامل آب آشاميدني تصفيه شده كافي، مكاني براي اين كه كارگران بتوانند در آن غذا بخورند و يك حداقل دستمزد توافق شده، مي شود.  
  
ابلارو دومورا و نامزدش ترزا ارتگا از اين كه تصميم گرفته اند به ال گوابو ملحق شوند، اصلاً متأسف نيستند؛ آن ها مي دانند، براي هر 30 جعبه موزي كه هر 2 هفته يك بار از قطعه زمين يك هكتاري شان توليد مي كنند، 50% بيشتر به دست مي آورند. ارتگا كه دستيار نامزدش است، توضيح مي دهد: ما عمدتا درآمد اضافي مان را در مزرعه سرمايه گذاري مي كنيم، البته حالا بهتر غذا مي خوريم. در هر صورت، الان بهتر مي توانيم مراقب سلامتي مان باشيم، چون مي توانيم داروهايي را كه به آن ها احتياج پيدا مي كنيم، بخريم. دور تا دور مزرعه آن ها با درختان برچين شده است. وقتي اين درختان به اندازه كافي بلند شوند، از ورود مواد شيميايي مزرعه هاي كناري به داخل، جلوگيري مي كنند، همچنين اين درختان يك نوع ميوه دارند كه شما مي توانيد با استفاده از آن، يك نوع حشره كش طبيعي بسازيد. ارتگا مي گويد: اگر شما بتوانيد از محصول خود براي پيشرفتتان استفاده كنيد، اين مسأله، حذف هزينه قابل ملاحظه اي را موجب خواهد شد.  
  
تحقيق در مورد موزها، ما را به مزرعه پابلوپريتو در روستاي پاساج رساند؛ او تنها توليدكننده در اكوادور است كه هر دو گواهي موز طبيعي و تجارت عادلانه را به دست آورده است، او هر هفته از مزرعه 300 هكتاري خود، حدود 4000 جعبه موز طبيعي با قيمت عادلانه توليد مي كند. در فروشگاه هاي مواد غذايي اروپا، اين موزها بر چسب اكو،اكي خورده اند. پرتيو مي گويد: بله، 4000 جعبه خيلي زياد است و استرس زيادي هم دارد.  
  
در مزارعي كه ما از آن ها ديدن كرديم، كارگران پرتيو مانند يك دوست صميمي باوي احوال پرسي مي كنند و هيچ تعجبي ندارد، چرا از 1/7 دلاري كه پرتيو براي هر جعبه موز به دست مي آورد، 1 دلار آن مستقيما به مؤسسه اي مي رود كه 250 نفر از كارگران پرتيو آن را تشكيل داده اند؛ كارهاي زيادي با همان يك دلار به انجام رسيده است. در سال هاي اخير، «پرتيو» يك امپراتوري واقعي تشكيل داده است. در پاساج يك فروشگاه مواد غذايي درست كرده است كه كارگران مي توانند مجموعه اي از خواربارهاي اساسي خود را با تخفيف خريد كنند. همچنين يك مركز بهداشتي هم هست كه آن ها مي توانند بدون پرداخت هزينه به آن مراجعه كنند و داروهاي خود را نيز با تخفيف خيلي زياد تهيه كنند.   
  
پرتيو براي آموزش فرزندان آن ها نيز كمك هزينه مي پردازد، و فقط اين ها نيست. او قصد دارد، ظرف 4 سال، شرايط زندگي همه كاركنانش را بهبود بخشد. پرتيو ما را براي ديدن خاز سگوندو پالاسيوس، مسؤول قسمت بسته بندي كارخانه اش به آنجا برد. پالاسيوس با استفاده از 2000 دلار وام از پروژه مسكن پرتيو، توالت خراب باغش را تبديل به يك حمام مدرن با سيفون و دوش نموده است.  
  
پالاسيوس از داشتن چنين شغلي و چنين رئيسي خيلي خوشحال است و مي گويد: من در يك محيط سالم كار مي كنم. او تجربيات زيادي دارد، او 25 سال است براي پرتيو كار مي كند و روزهايي را به خاطر مي آورد كه از سموم شيميايي استفاده مي شد. پالاسيوس مي گويد، تفاوت اين دو كاملاً آشكار است. او توضيح مي دهد كه با مصرف يك موز كه با استفاده از آفت كش ها توليد شده است دچار معده درد مي شويد، مخصوصا اگر در آفتاب رشد كرده باشد. شما مي توانيد با نگاه كردن به خاك مزرعه و پرندگان بگوييد كه سموم مصرف شده بر روي موزها مضر است. بنابراين، موزها براي مردمي كه آن ها را مي خورند، نمي تواند مفيد باشد. پرتيو از فاصله اي دورتر، گفتگوي ما با پالاسيوس را مشاهده مي كرد. پرتيو معتقد است كه آينده از آن موزهاي طبيعي است، ولي اين خيلي مهم است كه مصرف كنندگان، از فروشندگان توليد موزهاي طبيعي، رعايت ملاك هاي تجارت عادلانه را مي خواهند. پرتيو مي گويد: توليد موز طبيعي به خاطر اين است كه مي خواهيم زندگي كنيم، نه به خاطر اين كه مزه آن ها بهتر است.  
  
منبع: http://www.odemagzine.com

[1- Marco Visscher](http://pajuhesh.irc.ir/Book/index/magazine/bookId/1913/i/0/keyword/bt/#book-footnot-1)

